

کتاب الادوار فی الموسیقی

تألیف

صفی الدین ابوالفاخر عبدالقائم بن یوسف بن فاخر اورمیہ ای
(۶۱۳ - ۶۹۳ ھ . ق .)

بکوشش یحییٰ ذکا

پروگرام گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۳ -

رتال جامع علوم انسانی
فصل

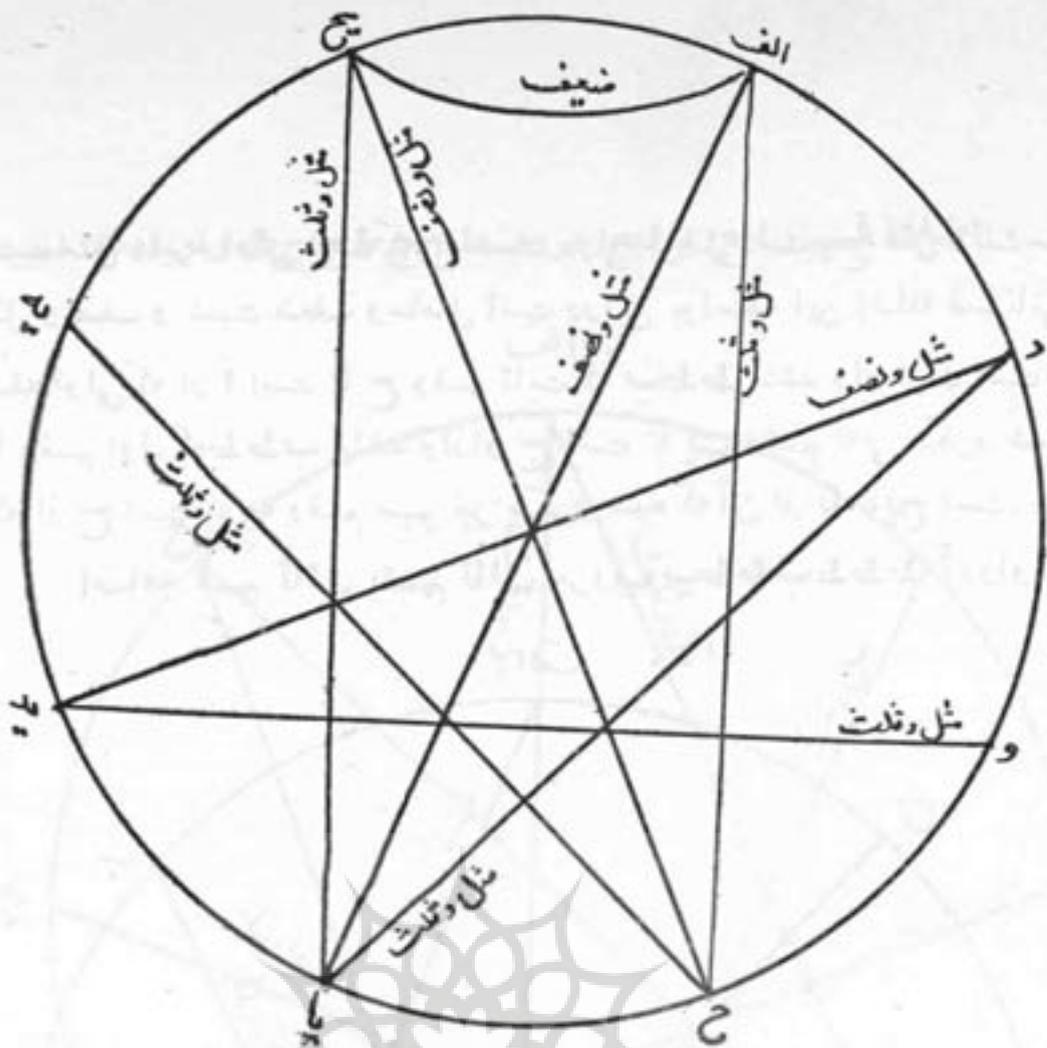
در ادوار و نسب او ، پس میگوئیم در صورت اضافه جماعات طبقه ثانیه
بجماعات طبقه اولی خواه اضافه بنوع خودش باشد یا غیر نوع خود از آن
جمله هشتاد و چهار دایره حاصل میشود ، بعضی ملایمه و بعضی متنافره و بعضی
خفیه التنافر . اما سبب ظهور تنافر ، جمع میان ابعادیکه موجب است اخلاص
بیکدیگر از اسباب مذکورہ سابقه و انحصار نسب او میان نغمات ثوابت ، و نقصان نسب
از عدد نغمات و سبب ، سوء اضافه است و اما خفیه التنافر ، پس بجهت نقصان
نسب از عدد نغمات و عدم انحصار نسب او میان نغمات ثابته بلکه در مبتدلات

نیز یافت شود. و اما ملایم، پس بجهت وجود نسب و عدد نغمات و سبب و حسن اضافه پس اضافه میکنیم اولاً بین هر یک از اقسام طبقه اولی مثل قسم او و از طبقه ثانیه. و این اضافه شش دایره است: دایره اولی اضافه قسم اول بقسم اول. دایره ثانیه اضافه قسم ثانی بقسم ثانی. دایره ثالثه اضافه قسم ثالث بقسم ثالث. دایره رابعه اضافه رابع بر رابع. دایره خامسه اضافه خامس بخامس. دایره سادسه اضافه سادس بسادس. و چنانکه اضافه کنیم سابعه را بسابعه موجب تنافر خواهد بود، بجهت وقوع طرف احد از ب طرف اقل از برای ج. و زود خواهی یافت در ادوار متنافره. و این دوایر شش گانه و ماعدای آن، از ادوار ملایمه متفاوت است بحسب عدد نسب، پس دایره اولی حاصل است در او سه از نسب مثل و نصف و پنج از نسب مثل و ثلث و هم چنین است دایره ثانیه. اما دایره ثالثه، پس حاصل است در او سه از نسب مثل و نصف و چهار از نسب مثل و ثلث و اما دایره رابعه پس حاصل است در او دو از نسب مثل و نصف و پنج از نسب مثل و ثلث. و این دایره قاصر است از دایره اولی بیک نسبت که آن نسبت مثل و نصف است. و اما دایره خامسه، پس حاصل است در او دو از نسب مثل و نصف و چهار از نسب مثل و ثلث. و اما دایره سادسه پس مساوی است عدد نسب حاصل در او با خامسه و نسبت ضعف در همه موجود است. از برای هر جماعتی مثالی وضع می کنیم و میان نسب را وصل میکنیم تا باعث زیادتی وضوح باشد.

هر خطی که واصل باشد میان دو طرف بعد ذی الخمس مثل و نصف رسم شود، و هر خطی که واصل باشد میان دو طرف بعد ذی الاربع مثل و ثلث پس آنچه از نسب حاصل است در میان نغمات ثابت و بس، و عدد نسب او کمتر باشد از عدد نغمات، ظاهره التنافر است. و هر دایره که عدد نسب او کمتر بود از عدد نغمات لیکن منحصر نباشد و نسب او میان نغمات ثابت بلکه در تبدلات نیز یافت شود خفیه التنافر است. و چنانکه نسبت بعد نغمات باشد، پس آن کامل خواهد بود در ملایم و امثله دوایر، چنان است که نموده شده.

اضافه قسم اول باول از طبقه اولی حروف او ططبططبط

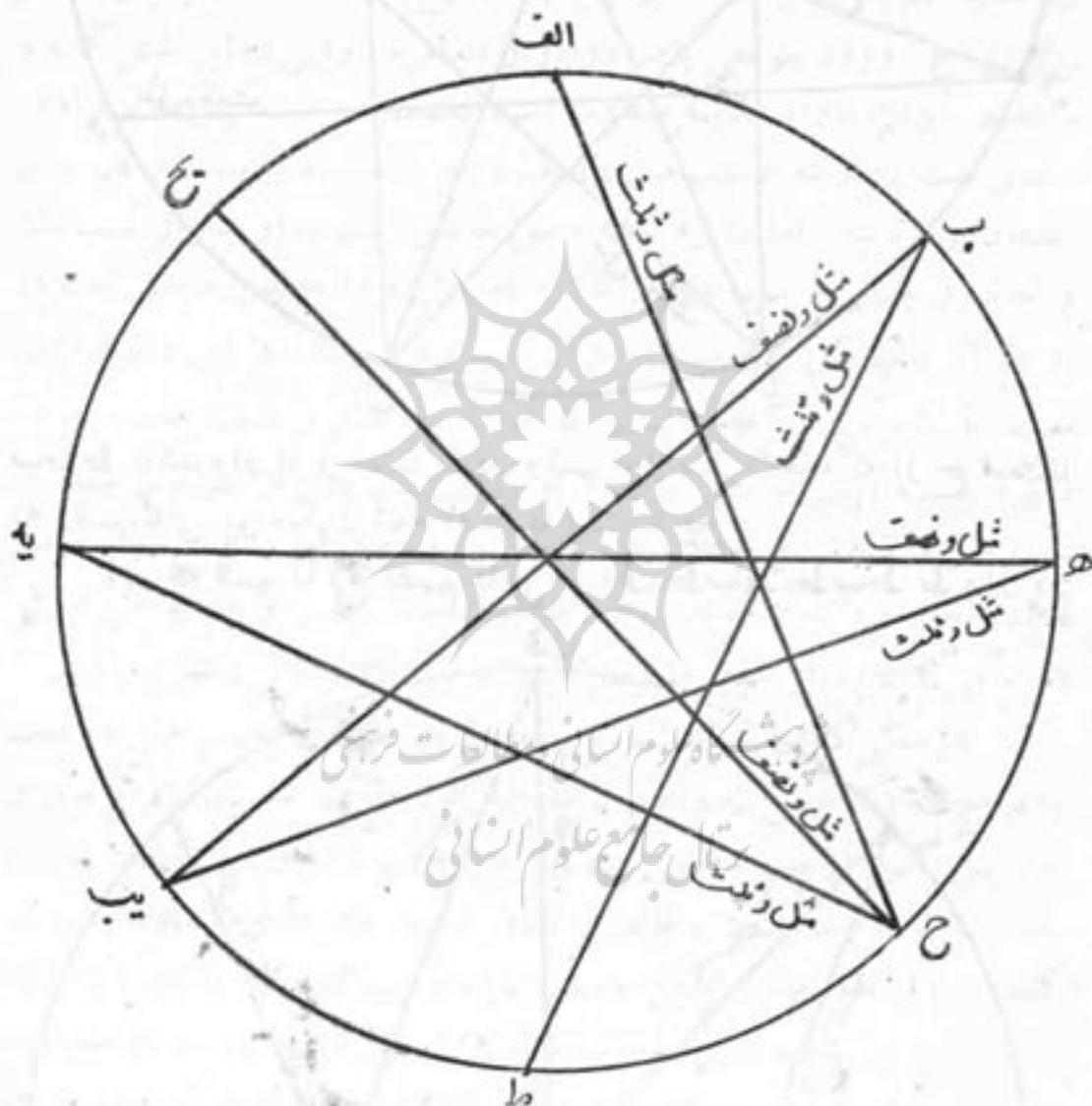
و در او نه نسبت حاصل است. پنج مثل و ثلث سه مثل و نصف و نسبت ضعف، و حاصل است در این دایره بواسطه این اضافه قسم اول طبقه اولی که از ا تاح است و قسم ثانی که طبططط باشد و از او د است تا یا و قسم ثالث که



بطط باشد واو از ز است تا یکد و قسم اول مکرر شده که از ح است تا
 یه و قسم ثانی نیز مکرر شده که از یا است تا یح .
 اضافه قسم ثانی بقسم ثانی حروف ط بط ط و از دو

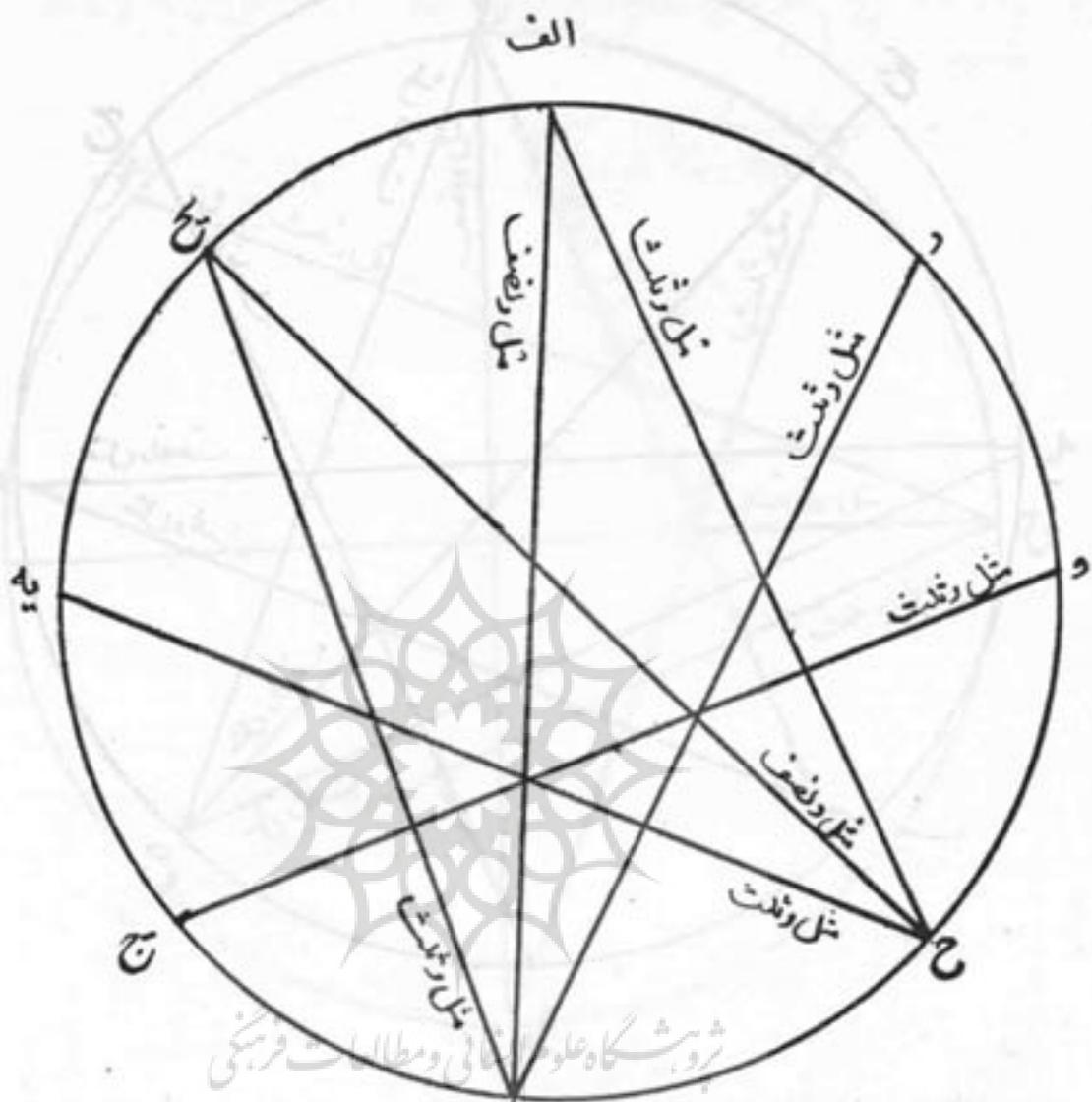


نسبت مثل دایره اولی است که نه نسبت در او حاصل است پنج مثل و ثلث سه
 مثل و نصف و نسبت ضعف و حاصل است در این بواسطه این اضافه قسم ثانی
 طبقه اولی که از ا است تا ح و قسم ثابت که ب ط ط باشد و او از د است تا
 یا و قسم اول که ط ط ب باشد و از او ج است تا ی ب و قسم ثانی مکرر شده
 که از ح است تا ی ه و قسم سیم نیز مکرر شده که آن از ی یا تا ی ح است.
 اضافه قسم ثالث بقسم ثالث حروف ب ط ط ب ط ط و در او با



نسبت ضعف هشت نسبت حاصل است چهار از نسبت مثل و ثلث و سه از نسبت
 مثل و نصف و نسبت ضعف، و حاصل است در این دایره بواسطه این اضافه قسم
 ثالث که از ا است تا ح و قسم اول که ط ط ب باشد و از او ب است تا ط
 و قسم ثانی که ط ب ط باشد و او از ه است تا ی ب و قسم سیم مکرر شده.

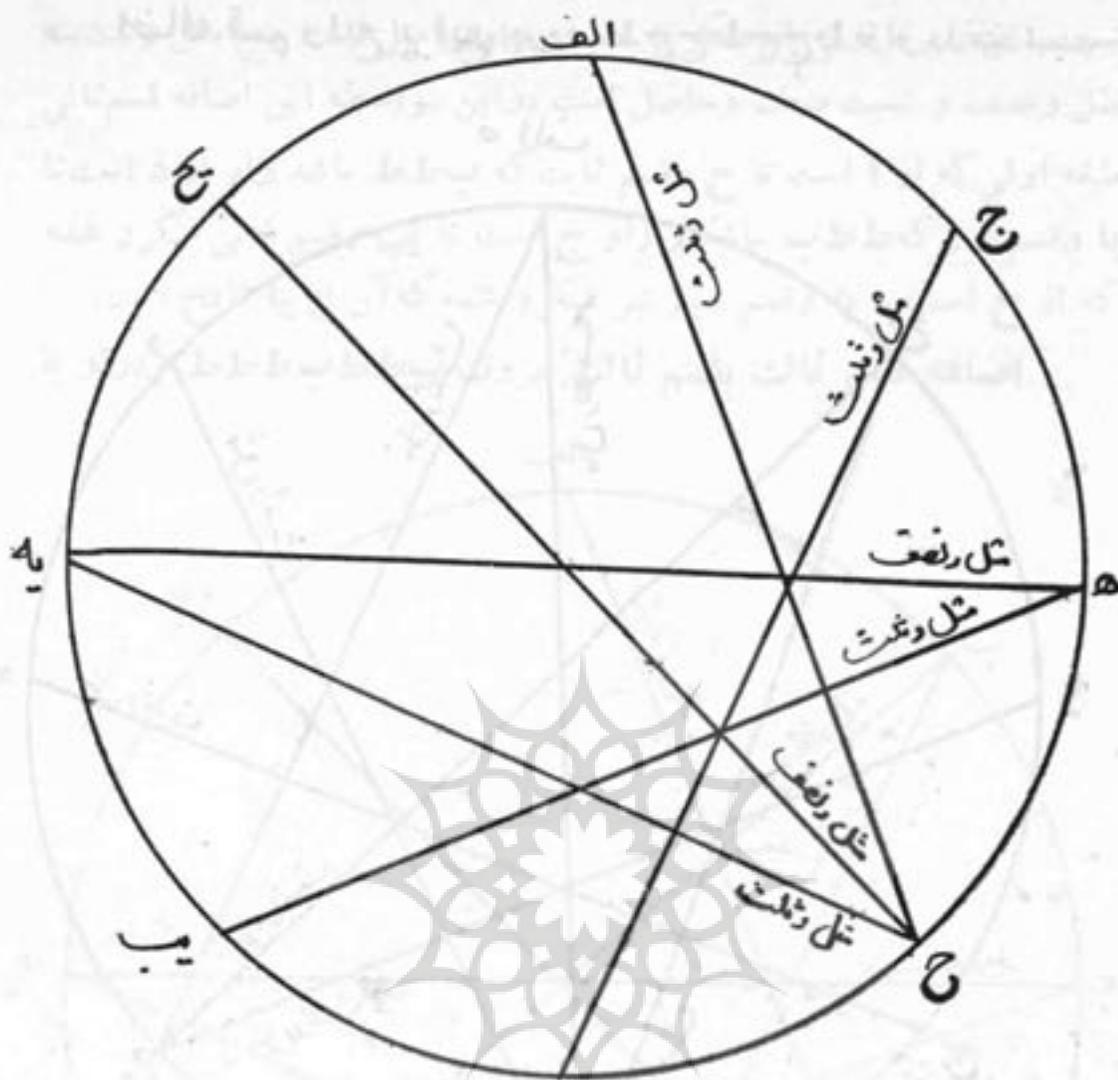
اضافه قسم رابع بر اربع حروف ط ج ج ط و او در عدد نسبت



رتال حل علوم انسانی

مثل دایره ثلثه است که هشت نسبت در او موجود است که پنج از نسب مثل وثلث و دو از نسب مثل و نصف و نسبت ضعف و حاصل است در این دایره بواسطه این اضافه قسم چهارم و آن از ۱ است تا ح و قسم خامس که ج ج ط باشد و او از ۵ است تا یا و قسم سادس که ج ط ج باشد و او از ۱۰ است تا یج و قسم چهارم مکرر شده و آن از ح است تا یه و مکرر خامس نیز که ج ج ط باشد و او از ۱۰ است تا یج .

اضافه قسم خامس بنخامس حروف او ج ج ط ج ط و در او

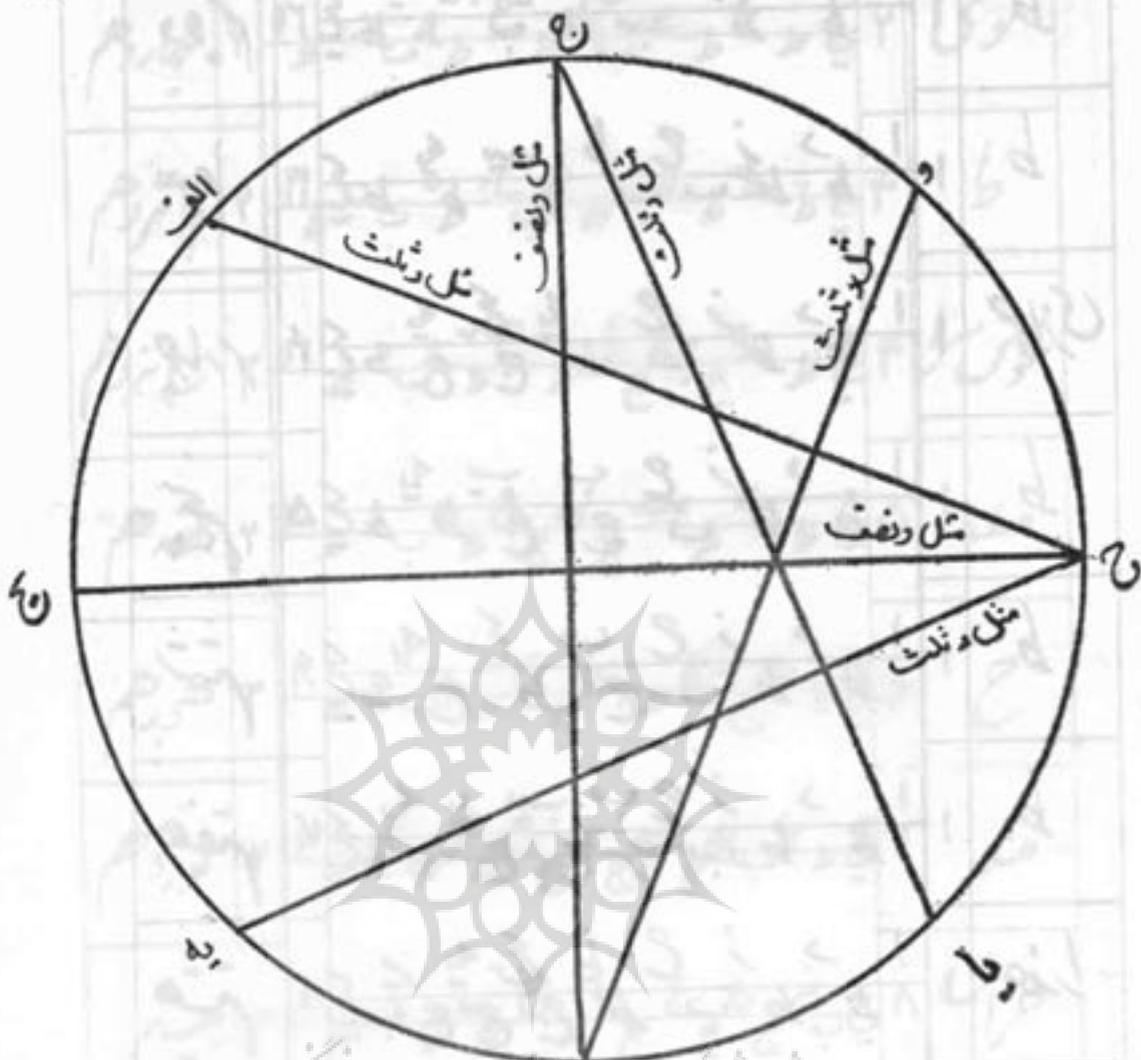


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شش نسبت حاصل است چهار از نسبت مثل و ثلث و دو از نسبت مثل و نصف،
 و حاصل است در این دایره بواسطه این اضافه قسم پنجم که از ا است تا ح و قسم
 سادس که ج ط ج باشد و او از ج است تا ی و قسم رابع که ط ج ج باشد و از
 او ه است تا ی ب و قسم پنجم مکرر شده و آن از ح است تا ی ح

اضافه قسم سادس بسادس حروف او ج ط ج ج ط ج و در او
 هفت نسبت حاصل است چهار از نسبت مثل و ثلث و دو از نسبت مثل و نصف
 و نسبت ضعف و حاصل است در این دایره بواسطه این اضافه قسم ششم و آن
 از ا است تا ح و قسم رابع که ط ج ج باشد و از ج است تا ی و قسم خامس

که ج ج ط باشد و او از د است تا یج و قسم ششم مکرر شده که آن از ح



شهرتگاه علوم زمانه و مطالعات فرهنگی

است تا یه و چنانکه اضافه شود هر يك از این دو ایر بغیر نوع خود حاصل شده است از مضاف بنوع خود و بغیر نوع خود هشتاد و چهار دایره بعضی ملایم و بعضی خفیه التنافر و بعضی ظاهرة التنافر است و این تنافر بجهت سود اضافه است مثل دایره حاصله از اضافه قسم خامس از طبقه ثانیه، بقسم رابع از طبقه اولی پس حاصل میشود در او بواسطه این اضافه چهار بعد بر نسبت بعد ج و معلوم شد که چهار بعد ج که پیاپی باشند موجب تنافر است چرا که تعدی خواهد نمود و از طرف ذی الاربع و بجهت هر دوری مثالی موضوع شد تا از تأمل نسبت واقع در هر دایره تفرقه شود مابین متنافر و غیر متنافر و معلوم باشد که بر ملایم و خفیه التنافر و ظاهرة التنافر و حرف اول اشاره میرود که م و ط و ح باشد.

سغوق	۱	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	یزدم
نوی	۲	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	چهاردم
ط	۳	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	پانزدهم
خوش سرا	۴	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	شانزدهم
مد	۵	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	هفدهم
ح	۶	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	هجدهم
مد	۷	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	نوزدهم
عزان	۸	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	بیستم
ح	۹	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	بیت و یکم
ح	۱۰	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	بیت و دوم
ح	۱۱	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	بیت و سیم
مد	۱۲	ع ط ب ه ط ط ع ط ب د ط	۲	بیت و چهارم

۳	نوبهار	۱	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	بیت و پنجم
۳	دصال	۲	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	بیت و ششم
۲	بویک	۳	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	بیت و هفتم
۳	گلستان	۴	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	بیت و هشتم
۳	غزدا	۵	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	بیت و نهم
۳	ح	۶	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی
۳	مردان	۷	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی و یکم
۴	بهار	۸	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی و دوم
۳	ح	۹	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی و سوم
۳	ح	۱۰	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی و چهارم
۳	ح	۱۱	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی و پنجم
۳	ح	۱۲	یک ط ب ی ه ط ط با ط ط ه ط ب ا	سی و ششم

چهارم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	سید
پنجم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	خانقا
ششم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	مد
هفتم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	مخیر
هشتم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	حینی
نهم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	جماری
دهم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	زنده رود
یازدهم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	حینی مع التبصیه
چهاردهم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	نوروز و بزرگ
پنجم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	ع
ششم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	زیرا فکند
هفتم	ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک	ه	حینی جماری

شست و یکم	۱	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	مزدگانی
شست و دوم	۲	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	مد
شست و سیم	۳	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	مد
شست و چهارم	۴	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	نضت
شست و پنجم	۵	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	رهوی
شست و ششم	۶	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	جمازی مشهدان
شست و هفتم	۷	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	ط
شست و هشتم	۸	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	نضت مع البقیه
شست و نهم	۹	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	عراق
هفتم	۱۰	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	بزرگ
هفتم و یکم	۱۱	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	کرت
هفتم و دوم	۱۲	ا ب ج د ه ط ز ح ط ج ا	ابج

واصول دایره مذکوره همان اقسام ذی الاربع است چه دوایر از اضافه اقسام معینه طبقه ثابته بقسم معینی از طبقه اولی حاصل شده و در هر یکی از این دوایر قسمتی چند از طبقه اولی موجود است وقتی که ابتداء این اقسام از غیر طبقه اولی باشد و آنرا بحور خوانند مثلاً گویند که دودایره اول که عشاق است بحر است و بعضی از اهل عمل بحور را شدد خواندند و چون ناظر تأمل نماید ظاهر شود .

بحر ثانی قسم پنج است از اقسام و بحر ثالث قسم سادس و بحر چهارم قسم پنجم و هم چنین ظاهر شود که بحر اول و بحر چهارم بعینه یکی است چه ظاهر است که ابعاد هر دو طط ب است و هم چنین بحر ثانی و خامس چه ابعاد هر دو طط ب است پس در واقع سه بحر بود اما چون طبقات این بحور مختلف بود پنج اعتبار کرده اند .

در حکم و ترین بدانکه اهل صناعت را است در سرعت انتقال ید باسطه خصوصاً کسانی را که از برای ایشان است تمکن و دانائی و ریاضت کامله و جمیع نغماتی که مدار الحان بر آن است ممکن است که از یک وتر استخراج کنند و لکن چون متغیر است که جمع دو نغمه مختلف کنند در آن یک وتر وضع کرده اند آلات ذوات و ترین و ثلثه و اربعه و اکثر تا انتقال از نغمه بنغمه آسان گردد اما اصطحاب و ترین . قانون اینست که بگردانند نغمه مطلق اسفل از این دو وتر را مساوی نغمه ح از اعلی پس میگردد نسبت جمیع نغمات هر یک با مقابل خودش نسبت مثل و ثلث چه زمانیکه نغمه مطلق اسفل از دو وتر مساوی نغمه ح از اعلی گردند پس لابد جزء ثانی از اسفل مساوی نغمه ط است و جزء ثانی از اعلی ب است و نسبت ب با ط مثل و ثلث است و ط در مقابل ب است چنانکه در دو عشاق مثلاً اول مطلق اعلی را که ا است حس می کنیم و رابع اجزاء آنرا که د است و سابع اجزاء را که د است و مطلق اسفل که ح است و رابع اجزاء او را که یا است و سامع او را که ید است و ثامن او را که یه و حاد یعشر که یح است بنا بر این دساتین و ترین ده خواهد بود و باقی مستغنی غنه است .